

واکاوی تطبیقی نقش ناخودآگاه جمعی کارل گوستاو یونگ در شعر (درد نام دیگر
من است) اثر قیصر امین پور

علی کشاورز قدیمی^۱

مصطفی ملکی^۲

چکیده

در بخش روان انسان، ناخودآگاه نقش مهمی در رفتار و عمل کرد و نهایتاً سرنوشت او ایفا می‌کند و این ناخودآگاه است بی‌آن‌که بدانیم ما را پیش می‌برد. مجموعه‌ای از کهن‌الگوها، عقده‌های مثبت و منفی و سایه و پرسونا به طرز شگفت‌آوری ناخودآگاه فردی و جمعی بشر را در تسخیر خود دارد. ارتباط همه رفتارهای انسانی با ناخودآگاه مورد اتفاق روان‌شناسان است. شعر از ناخودآگاه بر می‌خیزد. در این میان نظریه‌های یونگ راه‌گشای این مسیر بوده تا با استفاده از این نظریات بسیاری از رفتارهای ناخودآگاه را در شعر «درد نام دیگر من است» اثر قیصر امین پور مورد واکاوی و تحلیل قرار دهد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای است. هدف پژوهش بررسی و تحلیل نقش ناخودآگاه جمعی در این شعر قیصر امین پور است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از میان نظریات یونگ نقش ناخودآگاه جمعی و شخصی در این شعر بسامد بالایی داشته است.

کلید واژه‌ها: نظریه یونگ، درد نام دیگر من است، قیصر امین پور، ناخودآگاه جمعی.

۱- نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان قزوین. قزوین. ایران. (نویسنده مسئول).
akg1356@yahoo.com

۲- عضو سازمان نظام مهندسی معدن ایران، مسئول فنی معادن استان قزوین. قزوین. ایران.
mostafamaleki3411@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۸/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۹

۱- مقدمه

دنیا متشکل از مجموعه‌ای از اضداد است. انسان در گیرودار خیر و شر، شادی و غم، تاریکی و روشنی، انرژی مثبت و منفی و... به سوی کمال در حرکت است. روح و روان و جسم بشر از او موجود پیچیده‌ای ساخته است که کشف او برای اندیشمندان در طول تاریخ دشوار و مجهول باقی مانده است. اگرچه انسان برای شناخت خود هیچ‌گاه متوقف نگردد، لذا کشف این مباحث و نظریه‌ها برای کارل گوستاو یونگ است. او به طرز موشکافانه‌ای این مباحث را مطالعه و گسترش داد و ارتباط تحقیقات و اندیشه‌های بلند او با حقیقت و ماهیت ناخودآگاه، اندیشمندان زیادی را تحت تاثیر خود قرار داد. یونگ راه نجات بشر را در انکار نکردن خود و دست برداشتن از فرافکنی و کسب آگاهی و روبه‌رو شدن با روح خویش می‌دانست. اگرچه به گفته او این رویارویی دردناک و ترسناک است چرا که هیچ‌کس از دیدن خویشتن واقعی خود خوشحال نمی‌شود و به همین دلیل تاکنون در حال انکار و فرافکنی بوده است. آگاهی از ناخودآگاه ما سبب می‌شود خود را بهتر بشناسیم و انسان متعادل و تاثیرگذارتری باشیم. آگاهی کمک می‌کند بر ناخودآگاه سرکش و خودسر خود مسلط شویم و با روح خود رویارو شویم. این که رنج ابد وجود نداشته باشد چیز ناممکنی است اما آگاهی در کاهش رنج انسان نقش به‌سزایی دارد و اگر این امر در انسان محقق شود، هم فرد با ناخودآگاه فردی و هم جامعه با ناخودآگاه جمعی رو به تعالی و کمال حرکت خواهد کرد. طبق این نظریه شعر از ناخودآگاه شاعران سرچشمه می‌گیرد و همه انسان‌ها تحت تاثیر ناخودآگاه هستند و شعر بروز این مطلب در زیباترین شکل است. انسان باید روح خویش را ملاقات کند و با خویشتن روبه‌رو شود که این رویارویی در شعر متجلی است. خدا کمال مطلق است و راه رسیدن بشر به کمال جز از گذرگاه خویشتن و آگاهی به آن نمی‌گذرد. بررسی همه کهن‌الگوها در اشعار شاعران کار دشواری است. شاعران می‌توانند به شکل هنرمندانه‌ای ناخودآگاه را با زبان تصویر و نماد به ظهور برسانند و سبب شوند مخاطبان بتوانند با احساس ملیحی درون خود را واکاوی نمایند و در حقیقت تنهایی خویش تفکر کنند چرا که انسان اگرچه در اجتماع است و با حواس پنج‌گانه خود با اطرافیان در ارتباط است اما در حقیقت او در دنیای درون خود تنهاست زیرا که انسان در ذات خود تنهاست. قیصر امین‌پور در این شعر به طور ویژه به درد و رنج انباشته و انکار شده در ناخودآگاه جمعی و شخصی بشر اشاره می‌کند و به‌طور جامعی می‌توان آثار محتویات ناخودآگاه جمعی را در شعر او مشاهده کرد.

واکاوی تطبیقی ناخودآگاه جمعی کارل گوستاو یونگ... ۷۳۱۱۱

هدف از پژوهش واکاوی تطبیقی ناخودآگاه جمعی یونگ در شعر درد نام دیگر من اثر قیصر امین پور است و در جستجوی پاسخ به این سوال است که نقش ناخودآگاه جمعی یونگ در شعر قیصر امین پور چگونه بازتاب داده شده است؟ ضرورت و اهمیت پژوهش در آن است که به عنوان تحقیقی بینارشته‌ای نقش ناخودآگاه جمعی یونگ در شعر «درد نام دیگر من است» واکاوی و دردهای جمعی و شخصی خود را با تطبیقی روان‌شناسانه بر ناخودآگاه جمعی و شخصی به روش توصیفی - تحلیلی به خواننده ارائه می‌کند.

۲- پیشینه پژوهش

درباره یونگ تاکنون کتاب‌ها و مقالات زیادی منتشر شده است اما پژوهشی که به صورت تخصصی به شعر «درد نام دیگر من است» اثر قیصر امین پور پرداخته شده باشد مسبوق به سابقه نیست. اما کتاب‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند و از وجهی مرتبط با پژوهش می‌باشند عبارتند از:

کتاب **درآمدی بر روان‌شناسی یونگ** نوشته فریدا فوردهام (۱۳۹۹) که توسط مسعود میربها ترجمه گردیده و انتشارات جامی آنرا منتشر کرده است، در این کتاب به‌طور کلی به تشریح نظریات یونگ به زبان ساده تری پرداخته شده است و بر نظریات یونگ چون ناخودآگاه جمعی و انواع کهن‌الگوها مثال آنیما، آنیموس، سایه، پرسونا و آرکی تایپ‌ها به‌طور کلی پرداخته شده است و دیدگاه‌های یونگ را درباره تأثیر ناخودآگاه بر شخصیت فردی و سرنوشت جمعی مورد بررسی قرار داده است. منبع دوم که به نظریات یونگ پرداخته است کتاب **مقدمات روانشناسی یونگ** نوشته کلونین، اس‌هال، ورنون جی، نوردبی (۱۴۰۰) که توسط شهریار شهیدی ترجمه شده است و انتشارات آینده درخشان آنرا منتشر کرده است. در این کتاب مقدماتی بر نظریات یونگ درباره ضمیر پنهان و من ناشناخته و خود ناشناخته و تعبیر رویا و نمادشناسی ناخودآگاه و درون‌گرایی و برون‌گرایی و کهن‌الگوها پرداخته است. سومین منبع، کتاب **انسان و سمبول‌هایش** نوشته کارل یونگ (۱۴۰۰) که توسط محود سلطانیه ترجمه شده و انتشارات جامی آنرا منتشر کرده است. در این کتاب به این نظریه که ناخودآگاه جمعی و شخصی با نماد و سمبل سخن می‌گوید پرداخته شده است و در مورد نماد و سمبل‌های اساطیر باستان تحقیق کرده است و در آن به این موضوع که ما از نیاکان خود پتانسیل‌های روانی را به میراث می‌بریم پرداخته است.

و اما مقالاتی که از وجوهی مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته‌اند عبارتند از: مقاله «بررسی و تطبیق کهن الگوی آنیما در شعر بدرشا کرالسیاب و قیصر امین پور» نوشته عباس گنجعلی و نعمان انق که به صورت تطبیقی پرداخته است می‌باشد. در این مقاله به طور اخص به بررسی کهن الگوی آنیما و بررسی تطبیقی آن با توجه به فرهنگ متفاوت دو شاعر با نگرشی ویژه بر مکتب آمریکایی پرداخته شده است.

دومین مقاله تحت عنوان «بررسی برخی از کهن الگوها در شعر قیصر امین پور» نوشته لیلا مختاری نیا و سید احمد حسینی کازرونی است که در این پژوهش کهن الگوهای چون آنیما (مادینه روان) عشق مادر مثالی و وطن مورد بررسی قرار گرفته است.

سومین مقاله «جلوه های کهن الگوی آب در شعر قیصر امین پور» نوشته حجازی حمیده و سلیمانی نژاد مهر آبادی ساغر است. در این پژوهش کهن الگوی آب اعم از دریا، رود، باران و... مورد تحلیل قرار گرفته است. که از بررسی اشعار ارتباطی بین خدا و آب در ناخودآگاه شاعر دیده شده است.

۳- بحث و بررسی

بعد از کشف ناخودآگاه توسط زیگموند فروید^۱، اندیش مندانانی چون کارل یونگ^۲ به گسترش و شرح آن و افزودن نظریه‌های جدیدی در این مبحث پرداختند. از جمله نظریه‌های خاص یونگ وجود ناخودآگاه جمعی در کنار ناخودآگاه شخصی است. او روان آدمی را حامل پتانسیل‌های روانی که از اجداد ما به ما به میراث گذاشته شده، می‌دانست در حالی که فروید انسان را در بدو تولد به لوح سفید تشبیه می‌کرد که با تجربه زیسته بشر نگاشته می‌شود (نک: فروید، ۱۳۸۲: ۸۸-۱۰). اما یونگ این اعتقاد را نداشت. او انسان را وارث مجموعه‌ای از کهن الگوها می‌دانست که در ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر تجمع دارد که در کنش با ناخودآگاه شخصی است. ناخودآگاه جمعی مجموعه‌ای از کهن الگوها است (نک: یونگ، ۱۴۰۰: ۳۲۳). فروید^۳ بنیان‌گذار روان‌کاوی و روان‌درمانی نظریه‌های خود را مبتنی بر تعارض‌ها و انگیزه‌های ناخودآگاه استوار کرد (نک: کرول و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۳) فروید اعلام کرد

1. Sigmund Freud

2. Carl Gostav Jung

۳. زیگموند فروید (۶ مه ۱۸۵۶ - ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۹) عصب‌شناس برجسته اتریشی و بنیان‌گذار دانش روان‌کاوی به عنوان یک روش

درمانی در روان‌شناسی بود (ن.ک: شولتر، ۱۳۸۲: ۲۴۲-۲۴۱).

واکاوی تطبیقی ناخودآگاه جمعی کارل گوستاو یونگ... ۷۵۱۱۱

ما به همه اعمالی که انجام می‌دهیم آگاهی نداریم (نک: گنجی، ۱۳۸۷: ۲۱). از نظر فروید هر پدیده روانی در یک روند علیتی سرسخت که بیش‌تر ناخودآگاه است اتفاق می‌افتد (نک: باقری و خسروی، ۱۳۸۷: ۲۱). «عوامل، تمایلات و گرایش‌های عصبی اساساً ناخودآگاه هستند (هورنای، ۱۳۸۷: ۳۸).» فروید با این حرف‌ها می‌خواست بگوید که ناخودآگاه هنوز جایگاه چیزهای زیادی است که ممکن است منجر به ارزیابی‌های جادویی و غیبی از آن‌ها شود، چیزی که در حقیقت نیز این‌گونه است. این بقایای قدیمی یا اشکال کهن الگویی که روی غریز قرار گرفته‌اند و به آن‌ها جلوه می‌دهند ویژگی اسرارآمیزی دارند» (یونگ، ۱۳۹۹: ۵۶ و ۵۷). «ضمیر ناخودآگاه جمعی را نخستین بار کارل یونگ^۱ در روان‌شناسی مطرح کرده است» (یونگ، ۱۳۸۷: ۲۴). «یونگ گذشته از آن که برای ضمیر ناخودآگاه و نقش آن در زندگی فرد اهمیتی قائل است که با عقیده فروید کاملاً تفاوت دارد، وجود لایه دیگری را نیز در ناخودآگاهی انسان قائل است که آن را ناخودآگاه جمعی یا ضمیر ناخودآگاه جمعی می‌خواند. این مفهوم، در روان‌شناسی یونگ از اهمیت و اصالت خاصی برخوردار است» (یونگ، ۱۳۸۷: ۲۴). «یونگ می‌گوید آن‌چه او صورت مثالی یا الگوی دیرینه می‌نامد همان است که لوی برول فیلسوف و قوم‌شناس فرانسوی تجسمات جمعی خوانده است» (یونگ، ۱۳۹۸: ۱۵). همان‌گونه که بدن انسان دارای مجموعه اندام مشترک فراسوی هرگونه تفاوت نژادی است، به همان‌گونه روان انسان هم دارای یک جوهر مشترک فراتر از تفاوت‌های فرهنگی و خودآگاهی است (ن. ک: یونگ، ۱۳۸۳: ۲۷ و ۲۸). «فهم تکامل به روان‌شناسان کمک می‌کند تا منشأ رفتار آدمی را درک کنند. آدمیان دارای الگوهای ویژه‌ای از رفتار نیز شده‌اند. به همان شکلی که صاحب‌الگوهای منحصر به فردی از ویژگی‌های جسمی شده‌اند» (ویتیک، ۱۳۸۶: ۵۳). «تجربه‌های قبلی و ساخت‌های قبلی ادراکی یا ساخت‌های رفتاری قبلی به مانند یک پس‌خوراند در ادراکات بعدی اثر می‌گذارند» (فیضی، ۱۳۸۳: ۱۲۴). آنیموس یا نرینه روان همچون آنیما یا مادینه روان دارای جنبه‌های مثبت و منفی است (ن. ک: یونگ، ۱۴۰۰: ۳۱۵). انسان‌ها از بستر درآوردن پتانسیل‌های فردی فراتر می‌روند و در یک فرآیند جهانی و ابدی ادغام می‌شوند. گاهی انسان‌ها از ناهشیار جمعی خود بهره می‌گیرند و بدون آن که خودشان بدانند به شیوه‌های عجیب و غریب عمل می‌کنند که از ویژگی‌های اصلی کهن‌الگو

۱. کارل گوستاو یونگ (۲۶ ژوئیه ۱۸۷۵-۶ ژوئن ۱۹۶۱) فیلسوف و روان‌شناس اهل سوئیس بود که با فعالیتش در روان‌شناسی و ارائه نظریاتی تحت عنوان روان‌شناسی تحلیلی شناخته می‌شود (ن. ک: شولتز، ۱۳۸۷: ۲۹۶)

۱۷۶ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

است (نک: کمالی بانیانی، ۱۴۰۱: ۱۰۴). «یگانگی کهن الگوها سبب تکامل مرد و زن می‌شود (صرفی، مدبری و علی نژاد، ۱۳۹۵: ۳۱).

۳-۱- ناخودآگاه جمعی (collective unconscious):

به استعدادها و ظرفیت‌های مشترک انسان‌ها در هر کجای جهان و در مقاطع تاریخی و فرهنگی مختلف که ناشی از ماهیت وجودی و ادراک آنان در یک موضع مشترک است اطلاق می‌گردد (نک: یونگ: ۱۴۰۰: ۱۰).

۳-۲- کهن الگوها (Archetype):

مصالح و مواد ساختمان روان آدمی هستند. آنچه در ناهشیار جمعی نهفته است کهن‌الگو نامیده می‌شود. کهن‌الگو قالب‌های فکری بنیادین و مشترک در روان انسان‌هاست (همان، ۱۱).

۳-۳- معرفی قیصر امین‌پور

قیصر امین‌پور (۱۳۳۸-۱۳۸۶) زاده خوزستان بعد از انصراف از رشته دامپزشکی به تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی پرداخت و با دفاع از پایان‌نامه خود به راهنمایی محمدرضا شفیعی کدکنی با عنوان سنت و نوآوری در شعر معاصر در سال ۱۳۸۳ در مقطع دکترا فارغ‌التحصیل شد. امین‌پور هیچ‌گاه شعر فاقد وزن نسرود و هیچ‌گاه این نوع شعر را هم رد نکرد. او در زمینه شعر نوجوان هم تخصص داشت و علاوه بر سرودن اشعار نو و کلاسیک و انتشار چندین مجموعه، کتب پژوهشی نیز در زمینه بینارشته‌ای تالیف کرده است. شعرهای امین‌پور از حیث بلاغی ارزشمند است و آرایه‌ایهام در شعر او نمود بیش‌تری دارد. او توانسته ویژگی‌های سبکی و بلاغی شعر کلاسیک و شعر نیمایی را با شعرهایش تلفیق کند. سلوک شعری وی را می‌توان هم‌دردی با مردم توصیف کرد (قنبری، امید، ۱۳۹۴: ۵-۶).

۴- واکاوی تطبیقی نقش ناخودآگاه جمعی کارل گوستاو یونگ در شعر (درد نام دیگر

من است) اثر قیصر امین‌پور.

(درد نام دیگر من است)

دردهای من / جامه نیستند / تا ز تن درآورم / چامه و چکامه نیستند / تا به رشته سخن درآورم / نعره نیستند / تا ز نای جان برآورم / دردهای من نگفتنی / دردهای من نهفتنی است / دردهای من / گرچه مثل دردهای مردم زمانه نیست / درد مردم زمانه است / مردمی که چین پوستیشان / مردمی که رنگ روی

آستینشان / مردمی که جلد کهنه شناسنامه‌هایشان درد می‌کند / من ولی تمام استخوان بودم / لحظه‌های ساده سرودم / درد می‌کند / انحنای روح من / شانه‌های خسته غرور من / تکیه‌گاه بی‌پناهی دلم شکسته است / کتف گریه‌های بی‌بهبانم / بازوان حس شاعرانه‌ام / زخم خورده است / دردهای پوستی کجا / درد دوستی کجا؟ / این سماجت عجیب / پافشاری شگفت دردهاست / دردهای آشنا / دردهای بومی غریب / دردهای خانگی / دردهای کهنه لجوج / اولین قلم / حرف حرف درد را / در دلم نوشته است / دست سرنوشت / خون درد را / با گلم سرشته است / پس چگونه سرنوشت خویش را رها کنم؟ / درد / رنگ و بوی غنچه دل است / پس چگونه من / رنگ و بوی غنچه را ز برگ‌های توبه‌توی آن جدا کنم؟ / دفتر مرا / دست درد می‌زند ورق / شعر تازه مرا / درد گفته است / درد هم شنفته است / پس در این میانه من / از چه حرف می‌زنم؟ / درد، حرف نیست / درد، نام دیگر من است / من چگونه خویش را صدا کنم؟

دردهای من جامه نیستند / تا ز تن درآورم / جامه و چکامه نیستند / تا به رشته سخن درآورم / نعره نیستند تا ز نای جان برآورم / دردهای من نگفتنی / دردهای من نهفتنی است

در این بخش از شعر به عجین بودن درد و رنج انسان که انکارناشدنی نیست با سرشت و ناخودآگاه او اشاره شده است. از نظر یونگ دردها و رنج‌ها در قسمت ناخودآگاه انسان تجمع می‌کنند و گاه به هیچ زبانی قابل بیان و توصیف نیستند. مگر به صورت رویا و شعر بروز کنند. دردها و عقده‌ها و کهن‌الگوی سایه و تمایلات سرکوب شده در ناخودآگاه تجمع می‌یابند و حتی شعر تنها درصدی از آن‌را می‌تواند به تصویر بکشد و چون شعر و رؤیا از زبان نماد استفاده می‌کند این ظرفیت را دارد که بخشی از ناخودآگاه را نمایان کنند اما هیچ‌گاه به‌طور کامل قابل ظهور و بروز نیستند.

دردهای من / گرچه مثل درد مردم زمانه نیست / درد مردم زمانه است / مردمی که چین پوستینشان / مردمی که رنگ روی آستینشان / جلد کهنه شناسنامه‌هایشان درد می‌کند

نسخه راهنمای روان هر کسی خاص خود اوست و ممکن است مناسب دیگری نباشد. در این جا قیصر ضمن اشاره به این که درد او ممکن است با درد دیگران شباهت نداشته باشد اما از نظر ناخودآگاه جمعی اشتراکاتی با درد دیگران دارد و در عین حال علاوه بر عجین بودن درد شخصی هر شخص به عجین بودن درد مردم و ناخودآگاه جمعی هم اشاره دارد. ناخودآگاه جمعی نیز چون ناخودآگاه شخصی مجموعه‌ای از سایه پرسونا و کهن‌الگوها را در خود دارد و درد و رنج عمومی بشر

نیز این جا معنا می‌یابد. گاهی ناخودآگاه جمعی بشر را به سمت مهلکه‌های عجیبی سوق داده است و جنگ‌های بزرگ عالم نیز همین وجود سایه و تلاطم ناخودآگاه جمعی را نشان می‌دهد. پس شناخت درد جمعی به اندازه درد شخصی حائز اهمیت است و شاعر قدرت و توانایی این را دارد که با شعر خود حس هم‌دردی جمعی را در جامعه گسترش دهد. در حقیقت او زبان درد جمعی بشر است چرا که شعر متعلق به همه عالم و آدمیان است. این است که حتی شاعران جهان به زبان‌های متفاوت شعر می‌گویند اما همگی حرف هم را درک می‌کنند.

ولی من تمام استخوان بودم / لحظه‌های ساده سرودم / درد می‌کند

قیصر مستقیماً به این که شعر نیز نشأت گرفته از ناخودآگاه است اشاره می‌کند و شعر را راهی برای بروز این دردها و عقده‌ها و تمایلات نهان شده می‌داند و ارتباطی بین درد استخوان سوز و نهادینه شده در ناخودآگاه با لحظه‌های سرودن برقرار می‌کند. اگر بگوییم شعر بیش‌تر از خواستگاه غم و رنج و درد برمی‌خیزد سخن به گزافه نیست. بشر در ذات خود تنها و مغموم است و همواره می‌کوشد این مطلب را به زبان هنر بروز دهد چرا که چیزهای انکارناپذیری چون رنج و درد و مرگ همواره در طول تاریخ بشر او را به تفکری عمیق در گذرا بودن این عالم فرو برده است و این غم هم نشأت گرفته از همین حقایق و غربت بشر است.

انحنای روح من / شانه‌های خسته غرور من / تکیه‌گاه بی‌پناهی دلم شکسته است / کتف گریه‌های بی‌بهباهام / بازوان حس شاعرانه‌ام زخم خورده است

روح و ایگو شخصیت بشر را می‌سازند و قیصر از زخم به عنوان درد و عقده‌های سرکوب شده در روح و خود در روان سخن می‌گوید و زخم را در اعماق خویش می‌بیند که رابطه تنگاتنگی با شعر سرودنش دارد که انحنای روح را در خفا خراش می‌دهد. بزرگترین ظلم در حق یک انسان انکار رنج اوست. رنج انکارناپذیر است و چه بسا مرحله‌ای برای رشد بشر. کنکاش در اعماق روح به انسان در سیر تکامل روحش کمک می‌کند و شعر توصیف همین مراحل به زبان هنر است. هیچ هنری به اندازه شعر با ناخودآگاه در ارتباط نیست و شعر هم چون الهام و وحی از درون است و همه ما در معرض این الهامات هستیم اما شاعر چونان پیامبر انتخاب شده ایست که قدرت و جسارت نگاهش این وحی را بر صفحه سپید دارد. و ایجاد حس هم‌دردی با هم از رسالت‌های شاعران است و شاعری که خود را فارغ

واکاوی تطبیقی ناخودآگاه جمعی کارل گوستاو یونگ... ۷۹۱۱۱

از درد مردم به عنوان بخش مهمی از ناخودآگاه جمعی می‌داند در حقیقت رسالت شاعری را گم کرده است.

دردهای پوستی کجا/ درد دوستی کجا؟

قیصر به تفاوت درد هشیار شخصی و ناهشیار شخصی اشاره می‌کند و درد ناهشیار را عمیق‌تر توصیف می‌کند و از دیدگاه یونگ هم همین است چرا که دردهای روح ما هستند که ما بیش‌تر تحت تأثیر قرار می‌دهند. درد و رنج همواره در طول رشد بشر با او همراه بوده است و بشر در پی کمتر کردن آلام خود بوده است. هیچ جایگاه تک‌فازی چون خوشی و خوبی مطلق و بدی مطلق به معنای واقعی کلمه در عالم وجود ندارد و اگر از بهشت و جهنمی سخن‌ها گفته می‌شود همگی نماد و تمثیلی برای درک بشر از مختصات و موقعیت خویش در عالم است بنابراین وجود هر دو سبب رشد بشر در گیرودار خوبی و بدی و خیر و شر است. چرا که کمال جز پرواز با دوبرال نیست. عقل و عشق. عقل و عشقی که در بوتۀ خیر و شر انسان را پخته می‌کند و به کمال سوق می‌دهد و این سیر رشد تا ابد ادامه دارد.

این سماجت عجیب/ پافشاری شگفت دردهاست/ دردهای آشنا/ دردهای بومی غریب/ دردهای خانگی/ دردهای کهنه‌ی لجوج

دردهای بشر او را رها نخواهند کرد و با همه این‌که ممکن است از زخم‌های کودکی تا بزرگسالی برایمان آشنا باشند اما گاه توسط ما سرکوب و به سایه متقل می‌گردند ولی هیچ‌گاه اثرگذاری آن‌ها از بین نمی‌رود و هنگامی که راهی برای ارتباط هشیار و ناهشیار ایجاد می‌شود خود را بروز می‌دهند و زبان شعر زبانی است که می‌تواند از این ارتباط رمزگشایی کند چه بسا که یونگ خود اعتقاد داشت حرف‌های او را فقط شاعران درک می‌کنند.

اولین قلم/ حرف درد را/ در دلم نوشته است/ دست سرنوشت/ خون درد را با گلم سرشته است/ پس چگونه سرنوشت ناگزیر خویش را رها کنم؟

یونگ برخلاف فروید که معتقد بود بشر با لوح سفید به دنیا می‌آید اعتقاد داشت بشر پتانسیل‌های روانی خاص و مشترکی از نیاکان خود به همراه دارد که همان آرکی‌تایپ یا کهن‌الگوها هستند (ن.ک: یونگ، ۱۴۰۰: ۱۱-۱۰). قیصر در این‌جا به همین موضوع اشاره دارد و سرشته‌شدن گل آدمی را به عنوان اشتراک روح جمعی بشر یاد می‌کند و چون همین کهن‌الگوها سرنوشت انسان را می‌سازند

۸۰ // دوصفنامه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

او نیز خود را ناگیر از این سرنوشت می‌داند و به این که راه‌گزینی از آن وجود ندارد اشاره دارد در عین حال به رها نکردن این سرنوشت اشاره دارد. یعنی همان ملاقات با خودش طبق نظر یونگ که یونگ برای آن شهادتی خاص را لازم می‌دانست.

درد / رنگ و بوی غنچه دل است / پس چگونه من / رنگ و بوی غنچه را ز برگ‌های توبه‌نوی آن جدا کنم؟

یونگ عقده‌ها، سایه و پرسونا و ... را جز جداناپذیر روان بشر می‌دانست و معتقد بود تا بشر هست این کهن‌الگوها هستند. از طرفی یونگ هیچ‌گاه به‌طور سیاه و سفید به این کهن‌الگوها نگاه نمی‌کرد بلکه گاهی همین رنج و عقده را موجب رشد بشر می‌دانست و می‌گفت همان چیزی که در آن‌جا رنج نهفته است رشد نیز در همان‌جا پنهان است (ن.ک: یونگ، ۱۴۰۰: ۵-۱۰۰) و قیصر اشاره می‌کند که گاهی درد چون رنگ و بوی گل می‌تواند انسان را به تفکر و فردیت و رشد سوق دهد.

دفتر مرا دست درد می‌زند ورق / شعر تازه مرا درد گفته است / درد هم شفته است / پس این میانه من از چه حرف می‌زنم؟

قیصر به نشأت گرفتن شعر از محتویات روان و ناخودآگاه اشاره می‌کند و یونگ نیز شعر را تجلی ناخودآگاه بشر به شکل هنرمندانه توصیف کرده است. شعر زبان نمادهاست و تصویرسازی‌های شعر هم چون رؤیا می‌تواند ما را در شناخت هر چه بهتر ناخودآگاه خود یاری دهد. علت ارتباط برقرار کردن اغلب انسان‌ها با شعر نیز مؤید همین مطلب است این که شعر می‌تواند در ناخودآگاه مخاطب نفوذ کند و او را به دنیای درون رهنمون سازد.

درد حرف نیست / درد نام دیگر من است / پس چگونه خویش را صدا کنم؟

بشر همان ناخودآگاه خود است و این ناخودآگاه است که انسان را مدیریت نامحسوسی می‌کند و قیصر در این شعر به عجین بودن کهن‌الگو با وجود خود اشاره دارد و در حقیقت می‌داند که او در حقیقت خود ناخودآگاه اوست چیزی که با هیچ زبانی قابل توصیف نیست شعر می‌تواند تنها بخشی از نمادها و مطالب نمادین ناخودآگاه را به تصویر بکشد و البته هیچ آرامشی بالاتر از این وجود ندارد که بشر بتواند حرف‌های ناگفته ناخودآگاه خود را بیان کند و شاعر این قدرت را در خود دارد که بتواند با سرایش ضمیر خود آرامشی وصف‌ناپذیر به انسان‌ها عطا کند.

نتیجه گیری

بررسی ها در این پژوهش نشان می دهد قیصر امین پور به درد و رنج جمعی بشر تاکید دارد، در مسیر شعر به طور کاملی به درد شخصی و ارتباط آن با درد جمعی و ناخودآگاه جمعی پرداخته است. او با ناخودآگاه شخصی خود با ناخودآگاه جمعی بشریت همزاد پنداری کرده است و به طور اخص به ارثی بودن پتانسیل روانی از نیاکان بشر تاکید دارد و با زبان نماد که همان زبان ناخودآگاه است به تشریح آن پرداخته است. طبق نظریه یونگ سمبل های این شعر بر محوریت درد و رنج بشر چرخیده است. چون شعر نیز از ناخودآگاه سرچشمه می گیرد محتویات آن را با زبان تصویر و نماد بیان می کند، قیصر نیز با زبان شعر خود به نقش ناخودآگاه جمعی تاکید دارد و به طور ویژه به مخالفت با انکارنکردن و فرافکنی نکردن رنج پرداخته است. او پذیرفتن رنج بشر و راه کاهش آن را در شعر خود به ظهور می رساند و می گوید که درد شخصی او گره خورده با درد جمعی است همان طور که یونگ تاکید داشت ناخودآگاه جمعی و شخصی در کنش با هم هستند و چون نظریه ناخودآگاه جمعی خاص کارل یونگ است این شعر نماد کاملی از آن را در خود دارد. طبق فرضیه با توجه به این که شعر از ناخودآگاه سرچشمه می گیرد و چون ناخودآگاه با زبان نماد و سمبل مثل رویا سخن می گوید، شعر نیز با زبان نماد و سمبل و تصویرسازی به بروز محتویات ناخودآگاه می پردازد و در این شعر به طور اخص به ویژگی ها و محتویات ناخودآگاه جمعی و شخصی با رویکرد ویژه و تمرکز بر درد و رنج بشر پرداخته است.

۸۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

کتابشناسی

- امین پور، قیصر. (۱۴۰۱). **مجموعه کامل اشعار**، تهران: نشر مروارید.
- باقری، خسرو، خسروی، زهره. (۱۳۸۷). **نظریه‌های روان‌شناسی معاصر**، چاپ اول، تهران: علم.
- صرفی، محمدرضا، مدبری، محمود و علی نژاد، ملیحه. (۱۳۹۵). «**بررسی جلوه‌های آنیموس در شعر فروغ فرخ‌زاد، سیمین بهبهانی و طاهره صفارزاده**»، فصل‌نامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، سال ششم، شماره ۲۰.
- فروید، زیگموند. (۱۳۸۲). **کاربرد تداعی آزاد در روان‌شناسی کلاسیک**، ترجمه شجاع شفتی، سعید، چاپ اول، تهران: ققنوس.
- فورد هام، فریدا. (۱۳۹۹). **درآمدی بر روان‌شناسی یونگ**، ترجمه میربها، مسعود، تهران: جامی.
- فیضی، زهرا. (۱۳۸۳). **مبانی روان‌شناسی احساس و ادراک**، چاپ اول، تهران: پشتون.
- قنبری، امید. (۱۳۹۴). **زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی زنده یاد دکتر قیصر امین پور**، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کرول، وید، کرول، تاوریس، زوسیر، دبور، ایلاس، لورین. (۱۳۹۷). **روان‌شناسی عمومی**، ترجمه هامایاک آوادیس، یانس، عرب قهستانی، داود و همکاران، چاپ اول، تهران: رشد.
- کلوین، اس‌هال، ورنون‌جی، نوردبی. (۱۴۰۰). **مقدمات روان‌شناسی یونگ**، ترجمه شهریار شهیدی، تهران: انتشارات آینده درخشان.
- کمالی‌بانیانی، محمد. (۱۴۰۱). «**صورت تمثیلی آنیموس در اشعار فروغ فرخ‌زاد**»، فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادبیات فارسی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، صص ۱۲۷-۱۰۲.
- doi:10.30495/JPLL.2022.698189
- گنجی، حمزه. (۱۳۸۷). **مبانی روان‌شناسی عمومی**، چاپ اول، تهران: روان.
- ویتیک، آرنو. (۱۳۸۶). **مقدمه روان‌شناسی**، ترجمه محی‌الدین بناب، مهدی، چاپ اول، تهران: رشد.
- هورنای، کارن. (۱۳۸۵). **خودکاوی**، ترجمه مصفا، محمدجعفر، چاپ اول، تهران: بهجت.
- یونگ، کارل. (۱۳۸۳). **روان‌شناسی و شرق**، ترجمه صدقیانی، لطیف، چاپ اول، تهران: جامی.
- همو. (۱۳۸۷). **روان‌شناسی ضمیر ناخودآگاه**، ترجمه امیری، محمدعلی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- همو. (۱۳۹۸). **چهار صورت مثالی**، ترجمه فرامرزی، پروین، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- همو. (۱۳۹۹). **خود کشف نشده**، ترجمه بابازاده، رضا، چاپ اول، تهران: پبله.

واکاوی تطبیقی ناخودآگاه جمعی کارل گوستاو یونگ... ۸۳۱۱۱

همو. (۱۴۰۰). انسان و سمبول‌هایش، ترجمهٔ اکبریان طبری، حسن، چاپ دوم، تهران: دایره.